

بسم الله الرحمن الرحيم

دین و دانش در پیرادکس غنای محتوا
وتکنولوژی های آموزشی مجازی

جایگاه تفکر، تمرکز و تعمق محتوایی در رشد و کمال ذهنی، علمی، اخلاقی و معنوی

هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأویلہ و ما یعلم تأویلہ الا الله **والراسخون فی العلم** ... (آل عمران - ۷)

معارف قرآن را کسانی به درستی و کمال می فهمند که راسخ در علم باشند. پس از پیشوایان معصوم که مصداق کامل راسخون اند در سطوح و لایه های بعدی و نازل تر و در زمان ما به تعبیر روایت منسوب به امام سجاد علیه السلام **متعمقان آخر الزمان** را هم شامل می شود: ان الله عز و جل علم انه یكون فی آخر الزمان اقوام متعمقون فانزل الله تعالی قل هو الله احد و الآیات من سورة الحديد... (اصول کافی، ج ۱، ص ۹۱، کتاب التوحید، باب النسبة، حدیث ۳) به قول مرحوم آیه... تقدیری از اساتید و عالمان سبزواری ما خیس خوردگان در علم. "باید در علم خیس خورد"

با سخنی معروف از آیه ا... بروجدی مطلب را آغاز می کنم: **هر چیزی وجود ناقص آن بهتر از عدم آن است جز علم که عدم آن بهتر از وجود ناقص آن است.**

بی تردید تکمیل و تعمیق و غنای محتوایی علوم و دانشها به ویژه معارف و آموزه های دینی و **در ابتدا** درک ابعاد و کرانه ها و ظرافت های آن و **و سپس** تخلّق و آراسته شدن به آرایه های فاخر و منحصر به فرد آن و **در نهایت** و احیانا نوآوری و خلاقیت علمی و معرفتی و **و سر انجام** آموزش و انتقال آن یافته های احیاگر به جویندگان و عامه خلق در ابعاد مختلف و با ابزار کار آمد، بیش و پیش از هر چیز به تفکر، تعقل، تمرکز و تعمق پژوهشگر، معلم و مبلغ دین وابسته است به گونه ای که اگر انسان تمام توجه علمی و سرمایه وجودی خود را به آن ندهد، آن علم و دانش، بخشی از وجود خود را در اختیار او نمی نهد.

شهید ثانی در کتاب ارزشمند "**منية المرید**" که در زمینه آموزش و پژوهش بی بدیل است و در اوج شکوفایی علمی مؤلف یعنی یازده سال پیش از شهادت وی نگاشته شده، در بخش آداب و ویژه متعلم، بر قطع تعلقات و اشتغالات دیگر و تمرکز کامل بر خود علم و یادگیری و یاد دهی تأکید می کند و در این زمینه از شخصیت ها و عالمان تعابیری نقل می کند از جمله :

لا ینال هذا العلم الا من عطل دكانه و خرب بستانه و هجر اخوانه و مات اقرب اهله فلم یشهد جنازته

و اضافه می کند که این تعابیر برای مبالغه به کار رفته اما نشانه ضرورت تمرکز فکرو آسودگی خیال در عرصه آموزش و پژوهش دینی برای رسیدن به مقصود است و نهایتاً این جمله را نقل می کند: **العلم لا یعطیک بعضه حتی تعطیه کلک**. (منية المرید، ص ۱۱۱) دانش حتی قسمتی و جزیی از خود را به تو نخواهد داد مگر آنکه تمام وجودت را به او بدهی .

البته پیش از شهید ثانی رد پای این مطلب را در کتاب "محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء" راغب اصفهانی به نقل از خلیل ادیب معروف عرب، می توان دید: قال الخلیل رحمه الله العلم لا يعطیک بعضه حتی تعطیه کلک ثم انت فی اعطاءه ایاک بعضه مع اعطاءک اياه کلک علی خطر (کتاب فوق، ج-۱، ص ۵۰ و ۷۳) خلیل که رحمت خدا بر او باد گفته است دانش بخشی از خود را به تو نخواهد داد مگر آنکه تمام وجودت را به او بدهی و با این همه همواره در خطر از دست دادن همان مقدار به دست آمده نیز هستی.

به نظر می رسد تمام وجود را به علم دادن، ابعاد کمی و کیفی دارد به لحاظ کمی راهکار تخصصی شدن و شورایی شدن توسط بزرگان و آشنایان با علوم و دانش های حوزوی و دینی، توصیه شده

(فاضل ارجمند حجة الاسلام و المسلمین آقای سید محمد رضا طباطبایی در نشریه "نامه جامعه" وابسته به جامعه الزهرا س در شماره های ۸ تا ۱۶ سال ۱۳۸۴ بحث نسبتاً کامل و جامعی با نقل قول های متعدد از بزرگان و صاحب نظران حوزه، در ضرورت این دو رویکرد مطرح نموده و در این زمینه قابل استفاده و مراجعه است)

و به لحاظ کیفی تعمق و تمرکز همه جانبه بر علم مورد نظر و تا ممکن است پرهیز از عوامل باز دارنده چنان که در سخنان شهید ثانی اشاره شد.

تعارض چنین تمرکزی با پرداختن کامل به تکنولوژی و دنیای مجازی

چنین توجه و تمرکزی همزمان با توجه کامل و پرداختن به ریزه کاری ها، پیچیدگی های گسترده تکنولوژی و فناوری دردو بخش سخت افزاری و به ویژه نرم افزاری آن سازگاری چندانی ندارد. آشنایی با برنامه های

Word، powerpoint ،excel ،moodle ،Adobeconnect، course ware.

و دهها برنامه دیگر که آشنایی با نام و کاربرد و استفاده از آنها عمر و وقت و فرصت طولانی و توجه خاص می طلبد به ویژه که مرتب در حال تکمیل، تغییر و بروزشدن هستند و استفاده درست و کامل از آنها، غالباً آشنایی با زبان تخصصی مربوطه را می خواهد.

محدودیت های داخلی

در این بین، سرعت پایین اینترنت و قطع و وصل های بین برنامه ای و فیلترشکن ها و ویروس کش ها و اختلالات گوناگون که هر کدام خود عالمی دارد و سبب پیامد های نفس گیر می شود هم مزید بر علت اند و گاهی انسان را در تنگناهایی قرار می دهد که تحمل برایش نا ممکن شده و عطایش را به لقایش می بخشد

شاید این مشکل در **یادگیری و یاد دهی علوم انسانی و به ویژه اسلامی** که قاعدتا در بر دارنده **نگاه تربیتی** هم هست بیشتر خود را نشان بدهد، محقق و معلمی که باید به عمق مطلب و محتوا برسد و تحقیق و پژوهش، متن اصلی کارش باشد که با آن زندگی کرده و نفس می کشد و نیز در انتقال مطلب به متعلمان و مخاطبان باید با حالات و حرکات و تعامل های رو در رو و دیگر شیوه های اثر گذاری اهتمام بلیغ نماید، کم ترمی تواند از ابزار فناوری که جداگانه و مستقلا توجه و تمرکز خاص خود را می طلبد، استفاده کرده و تسلط لازم را پیدا و داشته های خود را در آن فضا عرصه کند. به ناچار ضعف و کم سوادی تکنولوژیک و وفنی وی از دید متعلمان پنهان نمی ماند و افزون بر این که غنای محتوایی و عمق دانش خود استاد آسیب می بیند، در صدی از اثر بخشی و اثر پذیری در متعلمان را نیز کاهش می دهد.

تبعات ورود کامل به عرصه فضای مجازی

آشکار است که اگر کسی به عرصه این تکنولوژی ها، ورود کامل پیدا کند و بکوشد خود را بروز نگه دارد و از نوآوری های آن استفاده کند، فرصت تعمق و تمرکز طولانی در دانش و علم مورد نظر و احیاناً نوآوری های تکمیلی و پیش ران و کشف زوایای پنهان و مغفول آنها را در شاخه های مختلف علوم به ویژه علوم انسانی نمی یابد.

سخنان نیکو لاس کار در آثار منفی فضای مجازی بر سواد و عمق یاد گیری و ضعف تمرکز

شاید معروفترین نقل قول‌های معاصر درباره تأثیر منفی اینترنت بر سواد و یاد گیری عمیق از نیکولاس کار نویسنده معاصر و تقریباً ۶۰ ساله امریکایی باشد که درس خوانده دانشگاه هاروارد است.

مطالبی را به صورت نقل به معنی از ایشان می آورم و مستند من همان فضای مجازی است که مشغول نقد آن هستیم و ایشان به بررسی نقادانه آن پرداخته، از سایت هایی که نوشته های وی را گزارش نموده اند و نیز نوشته ای که در روزنامه همشهری چهارشنبه ۲۲ مرداد ماه ۹۹ با عنوان " عصر انسان های پن کیک" منتشر شده.

نویسنده مزبور ورود به فضای مجازی را سبب تضعیف ذهن استدلالی می داند و معتقد است دنیای مجازی انسان را کم عمق و سطحی بار می آورد دیگر حوصله خواندن کتاب های چند جلدی و مقاله های طولانی را ندارد به گفته او دنیای مجازی توجه و تمرکز ما را قطعه قطعه و تکه تکه می کند چرا که در حین مطالعه همزمان در گیر جست و جو، وب گردی، برقراری ارتباط اینترنتی با دیگران، بازخوانی پیام های اینترنتی و... هستیم که با مطالعه و توانایی خوانش متن ها و نشر های بلند و طولانی نمی سازد و مشخصه این سبک، پرش از پیوندی به پیوندی دیگر است که چیزی به دانش راستین ما اضافه نمی کند.

همین جا به این مطلب ایشان نکته ای را هم می توان اضافه کرد که حس کنجکاوی در فضای مجازی، گاهی تمرکز سوز و وسوسه انگیز است همان حس کنجکاوی که حضرت آدم ع و حوا را واداشت از شجره ممنوعه بخورند یعنی زمینه کارگر افتادن و ساوس همراه با قسم جلاله ابلیس در آنها را فراهم کرد. پژوهشگر و استاد در ساعات تفریح و استراحت و برای رفع خستگی های علمی، سری به سایتها و شبکه های خبری، علمی غیر مرتبط، تفریحی و... می زند و به دلیل جاذبه ها و جلوه های ویژه ای که نوعا دارند، ساعات و اوقات زیادی را می بلعد و سبب فرصت سوزی های زیاد و اشتغال فکری و به هم خوردن تمرکزهای علمی می شود.

در جایی دیگر آورده است : زمانی کاملا درک می کردم که در دریای واژگان بی انتهای کتابها، غواصی هستم که به اعماق می رود اما حالا احساس اسکی سواری را دارم که در سطح همان آب ها زیگزاگ وار پیش می روم.

و در یک جمع بندی چنین نتیجه می گیرد: در سابق از سویی حوصله و تأمل و تدبیر بیشتر باعث عمق سواد و بینش ما می شد و از سویی موجبات استفاده کامل تر از حافظه، ذهن و استعداد، فراهم می شد اما اکنون همه چیز به صورت فست فودی حاضر است نیازی به استفاده از مغزمان احساس نمی کنیم در نتیجه ظرفیت مغز و ذهنمان به شدت کاهش یافته هر چند که امکان دسترسی به اطلاعات فوق العاده بیشتر است به عبارت دیگر انسان های امروز مطلع تر شده اند اما اکیدا خرد مند تر نشده اند.

تازه ترین کتاب ایشان " کم عمق ها" آنچه اینترنت به سر مغز ما می آورد. است و مقاله " آیا گوگل ما را احمق می کند" که در ۲۰۱۰ چاپ شده. به نظر می رسد سخنان ایشان در صد قابل توجهی از واقعیت را در بر دارد و در راستای مطالب پیش گفته، روی آوری به فضای مجازی و آموزش های الکترونیک، در هر دو حوزه آموزش و پژوهش می تواند به غنای محتوایی علوم و به ویژه علوم انسانی و اسلامی آسیب بزند. اما

ضرورت اقبال به فضای مجازی

و از سویی دیگر در این عصر و زمان، ناگزیر از تغییر شیوه و روش ها در عرصه یاد گیری و یاد دهی هستیم و معلمان و متعلمان، اساتید و دانشجویان ملزم به این تحول و دگرگونی هستند و عمده اثر گذاری ها و اثر پذیری ها مثبت و منفی در فضای مجازی شکل می گیرد و به مقتضای "لا ینتشر الهدی الا من حیث انتشر الضلال" که از سخنان تاریخی علامه شرف الدین عاملی است برای تبلیغ آموزه های دینی و معارف الهی چاره ای نیست جز این که این شیوه ها و روش ها را بدانیم و از آن استفاده بهینه کنیم و بین غنای محتوایی و بهره گیری از تکنولوژی به نوعی بالانس و توازی برسیم.

شاید به عنوان **یک راهکار** بتوان انتظار داشت که در مقام تدریس و نیز پژوهش دست کم در مورد برخی اساتید و معلمان، نوعی ترکیب و همراهی بین کارشناس و پشتیبان فنی و استاد و پژوهشگر، جدی تر و رسمی تر از آنچه اکنون هست در نظر گرفته شود تا هیچکدام فدای دیگری نشود و همه اساتید و محققان ملزم به یادگیری دوره های تکنولوژی آموزشی و پژوهشی نباشند تا هم فرصت و فراغت پرداختن عمیق به محتواها و مباحث مورد نظر و نوآوری را داشته باشند و هم آموزش و پژوهش آنان به بهترین شکل ممکن، و با استفاده از پیشرفته ترین تکنولوژی های پژوهشی و آموزشی از فضای مجازی استفاده و در فضای مجازی عرضه شود. طبعاً در صد زیادی از آسیب های پیش گفته کاسته خواهد شد.

اما شمول و عمومیت این راهکار و نیز چگونگی اجرا و تعیین اولویت ها و مصادیق آن، جای حرف و حدیث بسیار دارد.

عجالتا از یاد گیری ابزار کار در فضای مجازی برای تمامی اساتید، معلمان، متعلمان و پژوهشگران، گریزی نیست هر چند این رویکرد فی الجمله سبب کم تر شدن عمق سوادها و دانش ها و نیز کاسته شدن کیفی سطح آموزش ها خواهد شد.

آسیب های دروس معارف اسلامی و از جمله درس دانش خانواده

در این بین از آسیب های جدی که متوجه دروس عمومی معارف است، افزایش تعداد دانشجویان و ظرفیت کلاس ها ست هر چند با مساعی دوستان و مسئولان دانشگاه و دانشکده، برای این ترم مشکلی از این نظر پیش نیامد اما آموزش الکترونیک و وضعیت اسفبار اقتصادی و صرفه جویی بودجه های کلان کشوری، همواره زمینه وسوسه افزایش تعداد دانشجویان در کلاسها و تقلیل اساتید و مدرسان و پژوهشگران را هم در مرحله جذب هیأت علمی و هم اساتید مدعو، به همراه خواهد داشت

افزون بر این آسیب و حتی با حفظ همان ظرفیت قبلی کلاسها سختی و صعوبت کنترل دانشجویان در حضور و غیاب، کار و فعالیت کلاسی، اثر گذاری حتی آموزشی تا چه رسد به تربیتی و مهارت آموزی، پرسش و پاسخ ها و صرف وقت و دقت و توجه دانشجو و جا انداختن و جا افتادن مطلب در دروس معارف و به ویژه درس دانش خانواده که در کنار افزایش دانش فرا گیرنده نوعی مهارت آموزی زندگی را نیز از اهداف خود می داند، نقصان آشکار می یابد و طبعاً فلسفه اصلی این دروس به ضعف می گراید.

امتیاز آموزش مجازی درس دانش خانواده

البته در کنار آن آسیب ها، امتیازاتی را هم به خصوص برای درس دانش خانواده در فضای مجازی و غیر حضوری می توان در نظر گرفت:

- ۱- در مباحث این درس به موضوعاتی پرداخته می شود که سخن گفتن از آنها نوعی هنجار شکنی و ورود به عرصه های ممنوع عرف سنتی به شمار می رود و در کلاس حضوری و رو در رو، معمولاً شرم حضور یا ملاحظات دیگر، مانع از طرح صریح و بی حاشیه آن مباحث است، طرح پرسش ها، نقد و بررسی ها چه از جانب استاد و چه دانشجو، به ویژه کلاس هایی که استاد و دانشجو جنسیت واحدی ندارند در فضای مجازی راحت تر و با نگرانی های کم تری مطرح می شود. چرا که دانشجویان غالباً یکدیگر را نمی شناسند و ای چه بسا با تداوم شرایط فعلی، هیچوقت مواجهه و رویارویی با یکدیگر پیدا نکنند.

۲- نکته مثبت دیگری که فضای مجازی برای درس دانش خانواده دارد این است مباحثی مطرح می شود که دانشجو لازم می داند والدین یا دیگر اعضای خانواده اش بشنوند و بدانند اما به همان دلیل پیش گفته و این که ممکن است سبب برداشت های نادرست شود، نمی تواند و مصلحت نمی بیند خودش بگوید و به برکت کلاس های مجازی فرصت مییابد که از اعضای مورد نظر بخواهد که مطالب را از زبان استادش بشنوند. طبعاً مباحث مستند و منطقی و به روز استادان می تواند آموزش معارف الهی را به درون خانه ها و مخاطبانی که به آسانی در دسترس نیستند، منتقل نماید و گره گشایی کند و این امتیاز قابل توجهی است.

۳- سومین امتیاز سهولت دستیابی به نتایج تحقیقات جدید و نیز آمارها در زمینه های مرتبط با کار تخصصی پژوهشگرو استاد است که فضای مجازی با صرف وقت کم تر و نتایج و بهره زیاد تر، به جامعیت و نه لزوماً به عمق و اصالت کار های علمی مدد می رساند. که البته این امتیاز اختصاصی به درس دانش خانواده ندارد.

سخن پایانی

ضمن تشکر و ارزوی سلامتی و عافیت برای عزیزان دست اندر کار این جلسات

به نظر می رسد تا ضرورت ایجاب نکند نباید تن به فضای مجازی داد البته ضرورت عرفی و متعارف و در حد امکان نباید مطالعات متون مکتوب و مباحثات رو در رو و دقت و تعمق های عالمانه و نو آورانه سهل و سبک شمرده شود و نباید از انگ و اتهام شنودات و نظریاتی که در گذشته ها قایلی نداشته و اهمه نمود البته با رعایت تمام ملاحظات عقلایی و عرفی که تشخیص آن در فضای فعلی جامعه، هوشمندی و عقل گرایی خاصی را می طلبد و لا یكلف الله نفسا الا وسعها